

پیشگفتار

بدون تردید، آشنایی با متون فقه و فهم آراء فقهای اسلام، بخصوص فقهای امامیه، و توانایی استفاده از کتب فقهی برای حقوقدان ایرانی، امری لازم و ضروری است؛ زیرا علاوه بر اینکه بسیاری از مسائل حقوقی که امروزه نیز کاربرد دارد، مورد تجزیه و تحلیل عمیق فقها قرار گرفته است احاطه بر بحثها و استدلالات و نظریات آنها می‌تواند برای حقوقدانان راهگشا باشد. اکثر مقررات قانونی ما مخصوصاً قانون مدنی و اخیراً (پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران) قوانین جزایی، مستقیماً از فقه امامیه اقتباس شده است و بسیاری از تعبیر و اصطلاحات فقهی در متن قوانین مدون آمده است. اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی را موظف می‌کند که اگر حکم دعوارادر قوانین مدون نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کند.

بنابراین یک حقوقدان ایرانی، اعم از قاضی، وکیل، کارشناس حقوقی، محقق و استاد، برای درک و فهم و تجزیه و تحلیل و شرح و تفسیر قوانین و استخراج حکم دعای مطرح شده، ناگزیر است که توانایی استفاده از کتب فقهی را داشته باشد. از این رو همواره درس متون فقه، جزء دروس لازم و اصلی دانشکده‌های حقوق بوده است و بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، طبعاً عنایت و توجه بیشتری به این درس مبذول می‌گردد. طبق برنامه آموزش عالی برای دوره کارشناسی، چهار قسمت درس متون فقه، تحت‌عنوان متون فقه ۱، ۲، ۳ و ۴ و هر قسمت به ارزش دو واحد، در نظر گرفته شده است. در حال حاضر معمولاً استادان فقه، مباحثی را از کتب معتبر فقهی مانند شرح لمعه و شرائع و أحياناً کتاب دیگری نظیر اینها انتخاب و برای دانشجویان تدریس می‌کنند.

تدریس متون فقه با برنامه محدود در دانشکده‌های حقوق کار ظریف و دشواری است، زیرا درس متون فقه با اینکه مشتمل بر مباحث فقهی و حقوقی مهم است به‌عنوان طرح مباحث فقهی مستقل که همراه با بحث و نقد و رد و ایراد باشد مطرح نمی‌شود، زیرا هدف، صرفاً آشنایی با متون و فهم کلمات فقهاست نه نقادی مطالب مطرح شده. از سوی دیگر درس متون فقه به‌عنوان تاریخ حقوق نیز مطرح نیست که مطالب فقهی به‌عنوان نظریات تاریخی گذشته ارائه شود، بلکه فقه علاوه بر آنکه ریشه و زیربنای قوانین ما را تشکیل می‌دهد، به‌صورت بالفعل در قالب قوانین لازم‌الاجرا و حاکم بر روابط اجتماعی درآمده یا کوشش می‌شود که درآید. بنابراین ارائه نامناسب مطالب فقهی و عرضه نادلنشین شیوه استدلال فقها اثر سوئی در دانشجویان می‌گذارد و نوعی دلزدگی از فقه در او ایجاد می‌کند. متون فقهی هم که در حال حاضر برای تدریس در

دانشگاهها ارائه می‌شود و مناسبترین آنها همان کتابهای شرائع و شرح لمعه است، مربوط به قرون هفتم تا دهم هجری است و با اینکه مؤلفان این کتابها در عصر خود، مخصوصاً محقق حلی، صاحب شرائع، در طرح مطالب و شیوه بیان و استدلال و بیان فروع جدید و روش تنظیم کتاب درسی مبتکر و نوآور بودند، در عین حال بسیاری از مطالب و مثالها و شیوه بیان و استدلال، متناسب با این زمان نیست. فقهای عالیقدر متأخر هم عموماً به همان راه و شیوه سلف رفته‌اند. کتاب مکاسب شیخ اعظم انصاری که شیوه تحلیلی بسیار عمیق و جالبی در اجتهاد و استنباط ابداع کرده، بسیار قابل توجه است، ولی این کتاب بیشتر می‌تواند مورد استفاده محققان و مجتهدان قرار گیرد تا دانشجویان.

با توجه به مطالبی که ذکر شد به نظر می‌رسد وجود مجموعه‌ای که مباحث مختلف فقهی را به طور خلاصه و متناسب با برنامه درسی دربر داشته و در عین حال مشتمل بر کلمات فقها باشد و از طرح مطالب و موضوعات و نمونه‌هایی که امروزه موضوعیت ندارند، خودداری کند، ضروری است. برای تحقق این امر می‌بایست از میان کتب معتبر و متداول فقهی، متونی گزینش شود و اصل عبارات فقهی با حذف مطالب غیرلازم و عناوین مثالهایی که امروزه مطرح نیستند یا طرح آنها مناسب نیست، آورده شود تا هم احکام فقهی به نحو مطلوبی ارائه گردد و هم هدف از آشنایی با متون فقه و توان فهم عبارات فقها حاصل آید.

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) انجام این مهم را به اینجانب پیشنهاد کرد و بنده هم با اعتراف به قلت بضاعت علمی و تردید در قدرت بر انجام شایسته این کار، از آن جهت که خود به لحاظ تدریس متون فقه از نزدیک مشکل را لمس می‌کردم این پیشنهاد را پذیرفتم و به هر حال مجموعه حاضر تهیه شد که امیدوارم مفید و مقبول افتد.

در مورد این مجموعه، لازم است نکات و توضیحات ذیل یادآوری شود:

۱. قسمت عمده این مجموعه از کتاب شرح لمعه شهید ثانی که کتاب معروف و معتبر فقهی است، انتخاب شده است؛ زیرا شرح لمعه در عین حال که مطلب را نسبتاً مشروح و استدلالی بیان می‌کند، از اطناب و اطاله غیرلازم پرهیز می‌کند. می‌توان گفت نه ایجاز مخل دارد و نه اطناب مُمِل. در عین مغلَق نبودن، چندان هم بسیط و ساده و غیر استدلالی نیست و آراء فقهی مطرح شده در آن نیز، بخصوص اظهار نظرهای شهید ثانی شارح لمعه، قابل توجه و معتبر است. بعلاوه شرح لمعه، هنوز هم رایجترین کتاب درسی حوزه‌هاست و دسترسی به شروح و حواشی آن آسان است.

۲. برای تنوع استفاده از متون مختلف و أحياناً ملاحظه نگرشها و استدلالهای دیگر و یا طرح مطالبی که در شرح لمعه وجود ندارد از برخی کتب دیگر نیز استفاده شده است که عبارتند از: تحریر الوسیله و کتاب البیع حضرت امام خمینی، رضوان الله تعالی علیه، جلد دوم کتاب العروة الوثقی سید محمد کاظم یزدی، شرائع الاسلام محقق حلی، جواهر الکلام، قواعد علامه، مکاسب شیخ انصاری و مبانی تکملة المنهاج مرحوم آية الله خویی. در پایان همین مقدمه

هریک از کتابهای منتخب و مؤلفین آنها معرفی خواهد شد.

۳. ترتیب و تنظیم مطالب، تقریباً مطابق برنامه درسی دانشگاهی تحت عنوان متون فقه ۱ تا ۴ است، لذا ابتدا مباحثی مربوط به کلیات بیع و شرایط عمومی عقد و خیارات و مباحثی از عقد اجاره، وکالت، شفعة و مبحث حجر آورده شده، آنگاه مباحثی از نکاح و طلاق و بعداً مباحثی از وصیت و سرانجام بحثهایی از حقوق عمومی در باب حکومت و ولایت و چند مبحث از حدود و قصاص و دیات، انتخاب و گردآوری شده است.

مبحث بیع و شرایط عمومی عقد از کتاب *تحریرالوسیله* حضرت امام خمینی (ره)، وکالت از کتاب *ملحقات العروة الوثقی* (یا جلد دوم *العروة الوثقی*)، ولایت فقیه از جلد دوم کتاب *البیع* امام خمینی (ره)، کلیات مربوط به حدود و تعزیرات از جلد ۴۱ *جواهرالکلام*، احکام دعاوی و تعزیرات از کتاب *مبانی تکملة المنهاج* آیه الله خویی و مباحثی از کتاب *القضاء* از کتاب *قواعد علامه* و مبحث ودیعه از کتاب *شرائع الاسلام* محقق حلّی انتخاب شده و بقیه مطالب برگزیده از شرح لمعه است. به اضافه رساله لاضرر شیخ انصاری در پایان مکاسب، در آخر این مجموعه آورده شده است.

۴. نکته مهم و قابل توجه این است که مطالب و متون این مجموعه، از کتابهای فوق‌الذکر، گزینش شده است، آنچه نقل شده عین عبارات این کتابهاست و یک جمله یا کلمه‌ای اضافه و الحاق نشده است، البته در بسیاری از موارد، عباراتی حذف شده و نوعی تلخیص به عمل آمده است. بدین ترتیب با وجود اینکه سعی شده نظم و نسق و فصل‌بندی کتابهای مورد اقتباس حفظ شود ولی ناگزیر، گاهی این ترتیب به هم خورده است، لذا ممکن است گاهی شماره فصل یا مسأله یا مطلب منقول با شماره اصل کتاب متفاوت باشد در حالی که مطلب نقل شده دقیقاً متن آن کتاب است. گاهی اوقات در متن انتخاب شده، عبارت یا کلمه‌ای که برای مثال یا توضیح ذکر شده است و به نظر نامناسب می‌رسیده ولی اصل مطلب می‌بایست نقل شود، همان عبارت یا کلمه حذف شده است، به گونه‌ای که در بیان اصل مطلب خللی وارد نشود، مثلاً در بحث بیع و خیارات و تعریف و بیان خیاراتی چون خیار عیب و تدلیس، بیشتر مثالها از برده و کنیز و عیوب آنها زده شده است و چون آوردن این تعبیرات اکنون به هیچ وجه مناسب و شایسته نیست، بنابراین هر جا بند مستقلی در این مورد بوده و یا به صورت مثال در ضمن جمله آمده، حذف شده است. برای مثال؛ شهید اول در متن لمعه در ذیل بیان خیار تدلیس می‌فرماید: «التاسع: خیارالتدلیس، فلو شرط صفة کمال کالبکاره، اوتوهما کتحمیر الوجه و وصل الشعر، فظهر الخلاف، تخیر...» ما این عبارت شهید را بدین‌گونه نقل کردیم: «... فلو شرط صفة کمال، اوتوهما، فظهر الخلاف، تخیر...». ممکن است در مواردی با حذف یک عبارت، مقصود معلوم نباشد، مگر اینکه جمله‌ای اضافه شود، برای پرهیز از الحاق و اضافه، همان متن را با عبارت موجود نقل کردیم.

۵. سعی شده است توضیحات برای رفع ابهام برخی کلمات و جملات متن در پاورقی

آورده شود تا فهم متن تسهیل گردد، در مورد متون انتخاب شده از شرح لمعه، مبنای کار در توضیح مطالب نیز شرح لمعه‌ای است که به وسیله آقای سید محمد کلانتر تصحیح شده و پاورقی خورده است ولی چون در برخی موارد به نظر می‌رسید توضیح لازمی فروگذار شده، آنچه به نظر درست و لازم می‌آمد در پاورقی ذکر شده است. حتی الامکان مدرک آیات و روایات متن نیز در پاورقی بیان شده است.

در پایان این پیشگفتار کتابهای مأخذی که این متون از آنها نقل شده و مؤلفین آنها و برخی از کتابهای فقهی و روایی که در این متون زیاد به آنها ارجاع شده است، معرفی می‌شود و برخی از اصطلاحات روایی و فقهی نیز توضیح داده می‌شود:

الف) کتب مأخذ

۱. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. متن کتاب به نام اللمعة الدمشقیة تألیف عالم بزرگوار شهید سعید محمد بن جمال الدین مکی عاملی، معروف به شهید اول است. وی در سال ۷۳۴ هجری قمری در جزین از توابع جبل عامل لبنان متولد شد و در سال ۷۸۶ پس از تحمل یک سال زندان در قلعه دمشق به فتوای قاضی صیدا به شهادت رسید. کتاب لمعه کتاب خلاصه و جامعی است که تمام ابواب فقه را دربر دارد و گفته می‌شود. شهید اول کتاب مزبور را در مدت هفت روز نوشته و از منابع فقهی جز کتاب المختصر النافع محقق حلّی، کتاب دیگری در دسترس وی نبوده است. در عین حال کتاب مزبور، به عنوان یک کتاب معتبر فقهی که در عین ایجاز و اختصار، از لحاظ عمق مطلب و نظم مطالب و شیوه نگارش در سطح بالایی است، جای خود را در محافل فقهی و حوزه‌های علمیّه باز کرده است و تاکنون از کتابهای معتبر فقهی و درسی به‌شمار می‌رود و با شرحی که شهید ثانی بر آن نگاشته است بر اهمیت آن افزوده شده است. اما شرح کتاب به نام الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة معروف به شرح لمعه تألیف شهید بزرگوار زین الدین الجبعی العاملی، متولد ۹۱۱ هجری قمری است که در سال ۹۶۶ و به نقلی ۹۶۵ پس از سفر حج به دست یکی از عمال سلطان عثمانی در راه استانبول در دهی به نام بایزید، به شهادت رسید.

کتاب شرح لمعه به صورت اختلاط متن با شرح نگاشته شده است؛ یعنی شهید ثانی متن را داخل و جزء شرح نموده است، به گونه‌ای که متن و شرح، یک تألیف و نوشته را تشکیل می‌دهند، تشخیص متن با گذاشتن آن در داخل پرانتز به عمل می‌آید. جامعه دینی نجف چاپ جدید شرح لمعه را با تصحیح و تعلیق آقای سید محمد کلانتر، در ده جلد منتشر کرده است.

۲. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تألیف ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن الحلّی که به محقق و محقق حلّی معروف است. وی در سال ۶۰۲ هجری قمری متولد و در سال ۶۷۶ فوت کرد. محقق از بزرگان علمای شیعه است که به دقت نظر و تحقیق و حسن تألیف مشهور است. کتاب شرائع الاسلام در عصر خود و دوره‌های بعد یک کتاب فقهی

استدلالی جامع و ابتکاری تلقی شده است. بسیاری از فقهای بزرگ بر آن شرح نوشته‌اند که معروفترین آنها مسالک الافهام شهید ثانی و جواهر الکلام شیخ محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر است. محقق، کتاب شرائع را بر چهار بخش تقسیم کرده که عبارت است از: عبادات، عقود، ایقاعات و احکام.

۳. قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام. تألیف جمال‌الدین حسن بن یوسف بن علی‌المطهر الحلّی، معروف به علامه حلّی (۶۴۸-۷۲۶ ه. ق.). علامه حلّی خواهرزاده و شاگرد محقق حلّی صاحب شرائع و از بزرگان و مفاخر شیعه است و کتابهای معتبری در فقه و کلام دارد. از جمله کتب معروف فقهی او تذکرة، مختلف الشیعة، تحریر الاحکام و کتاب قواعد است. کتاب قواعد مشتمل بر فروع زیادی است که مورد مراجعه و مطالعه فقها بوده و شروح متعددی بر آن نوشته شده است. از جمله کتاب جامع المقاصد از محقق ثانی یا محقق کرکی (متوفای ۹۴۰) و مفتاح الکرامه از سید جواد عاملی (متوفای ۱۲۲۶) و ایضاح الفوائد از فخرالمحققین پسر علامه (متوفای ۷۷۱).

۴. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تألیف شیخ محمد حسن نجفی (متوفای ۱۲۶۶ ه. ق.) از نوابغ فقهای قرن سیزدهم هجری. کتاب جواهر را می‌توان عظیمترین و جامعترین کتاب فقهی شیعه دانست که همواره مورد مراجعه فقها و مجتهدین است. جواهر الکلام در ۴۳ جلد به چاپ رسیده است.

۵. العروة الوثقی. تألیف فقیه بزرگوار سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۱۲۴۷-۱۳۳۷ ه. ق.). جلد اول این کتاب که مشتمل بر ابواب عبادات و بسیاری از ابواب معاملات است به صورت رساله عملیه است که حواشی متعددی نیز از سوی مراجع تقلید بر آن زده شده است. جزء دوم و سوم این کتاب مشتمل بر برخی مباحث فقهی چون ربا، وکالت، هبه، وقف و قضاست که تا حدودی به صورت استدلالی بیان شده و به نام ملحقات العروة الوثقی و یا تتمه العروة الوثقی نیز شناخته می‌شود و بعد از فوت سید به چاپ رسیده است. در این مجموعه مبحث وکالت از جزء دوم، انتخاب شده است. جزء دوم و سوم در یک مجلد از سوی انتشارات داوری در قم به طبع رسیده است.

۶. تحریر الوسیلة. رساله عملیه مشتمل بر همه ابواب فقه و برخی مسائل مستحدثه که در دو جلد مکرر به چاپ رسیده از مرجع بزرگ تقلید، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیه‌الله العظمی حاج سیدروح‌الله موسوی خمینی (ره) (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ه. ش.) است.

۷. کتاب البیع. از امام خمینی (ره) است. این کتاب یک دوره فقه استدلالی است که براساس شرح مکاسب شیخ انصاری در ۵ جلد نوشته شده است.

۸. مبانی تکملة المنهاج. تألیف مرجع بزرگ تقلید حضرت آیه‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی (متوفای ۱۳۷۱ ه. ش.). این کتاب در دو جلد و مشتمل بر مباحث قضا، شهادت، حدود،

قصاص و دیات است. اصل این کتاب به صورت فتوا و رساله عملیه است و برای تکمیل رساله عملیه منهاج الصالحین که در دو جلد عبادات و معاملات تدوین شده، نگارش یافته است و مؤلف محترم برخی مبانی و مستندات فتاوا را ذیل مسائل ذکر و بیان نموده است، لذا کتاب نام مبانی تکملة المنهاج را به خود گرفته است.

۹. کتاب مکاسب. از استاد الفقها، حاج شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه. ق.). کتاب مکاسب مشتمل بر مکاسب محرمه، بیع و خیارات است. چند رساله در موضوعات مختلف نیز از سوی شیخ نگاشته شده که به عنوان ملحقات مکاسب، در آخر مکاسب ضمیمه شده است.

ب) معرفي اجمالی برخی از فقها

از آنجا که در این متون نظریه‌هایی به برخی از فقها نسبت داده شده است و نقل قولهایی از آنها می‌شود، خالی از فایده نیست که یک معرفي اجمالی از آنها به عمل آید:

ابن ابی عقیل. حسن بن علی بن ابی عقیل عُمانی از قدمای فقهای امامیه (قرن چهارم هجری) است که از او و ابن جنید به «قدیمین» یاد می‌شود. کتاب معروف او المتمسک بحبل آل الرسول است. برخی نظریه‌های فقهی از او نقل می‌شود که با نظر مشهور فقها مغایر است. ابن جنید. محمد بن احمد بن الجنید ابوعلی الاسکافی (متوفای ۳۸۱ ه.). از بزرگان علمای شیعه امامیه بوده و کتب متعددی نیز داشته است وی نیز نظریه‌های فقهی مغایر با نظر مشهور فقها دارد.

شیخ صدوق. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی معروف به صدوق (۳۰۵-۳۸۱ ه.). از بزرگان فقها و محدثین شیعه. یکی از کتابهای معروف او کتاب من لایحضره الفقیه است که از کتب اربعه شیعه به حساب می‌آید.

شیخ مفید. محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ه.). وی نیز از بزرگان شیعه و فقهای متقدم است. از کتابهای او المقنعة کتاب معروفی است در متون فقهی. گاه از ایشان و شیخ طوسی به «شیخان» تعبیر می‌شود.

سید مرتضی. ابوالقاسم علی بن الحسین بن موسی محمد بن موسی بن ابراهیم بن الامام موسی بن جعفر علیهم السلام، مشهور به سید مرتضی و ملقب به علم الهدی از فقهای بسیار بزرگ امامیه (۳۵۵-۴۳۶ ه.). از جمله تألیفات او الذریعة در اصول و الانتصار در فقه است.

شیخ طوسی. ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن معروف به شیخ الطائفة و شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ه.). که گاه به طور مطلق در کلمات متقدمین، «شیخ» بر او اطلاق می‌شود. وی بنیانگذار حوزه علمیه نجف اشرف است. مهمترین کتابهای او عبارت است از: المبسوط فی فقه الامامیه والتبیین در تفسیر و دو کتاب التهذیب والاستبصار که از کتب اربعه به حساب می‌آیند.

ابن زهره. سید ابوالمکارم حمزة بن زهره (متوفای ۵۸۵ هـ.). وی صاحب کتاب غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع است.

ابوالصلاح حلبی. تقی الدین (تقی؟) بن نجم الدین... (۳۷۴-۴۴۷ هـ.). کتاب معروف وی در فقه الکافی فی الفقه است.

ابن ادريس. ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد بن ادريس حلی خواهرزاده شیخ طوسی، از فقهای معتبر و محقق، (۵۴۳-۵۹۸ هـ.). کتاب معروف فقهی او السرائر است.

قطب راوندی. ابوالحسن سعید بن هبة الله بن الحسن (متوفای ۵۷۳ هـ.).

فخرالمحققین. ابوطالب محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر الحلی، فرزند علامه حلی (۶۸۲-۷۷۱ هـ.). وی صاحب کتاب ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد است.

محقق ثانی. نورالدین ابوالحسن علی بن الحسین بن عبدالعالی الکرکی، معروف به محقق ثانی و محقق کرکی، (۸۶۸-۹۴۰ هـ.). وی صاحب کتاب جامع المقاصد فی شرح القواعد است.

ابوعلی طبرسی. امین الاسلام ابوعلی الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی (۴۶۲-۵۴۸ هـ.). تفسیر معروف مجمع البیان از اوست.

قاضی ابن البرّاج. عبدالعزیز بن البرّاج الطرابلسی (۴۰۰-۴۸۱ هـ.). به لحاظ اینکه در طرابلس سمت قضاوت داشت به «قاضی» مشهور است. کتاب فقهی معروف او موسوم به المذهب است که از سوی جامعه مدرسین قم اخیراً چاپ شده است.

سلار. ابویعلی سالار بن عبدالعزیز دیلمی (۴۴۸-۴۶۳ هـ.). از شاگردان شیخ مفید و سیدمرتضی، معروف به سلار. کتاب معروفش در فقه موسوم است به المراسم العلویة فی الاحکام النبویة که به اختصار به المراسم معروف است.

ج) معرفی اجمالی تعدادی از کتب فقه و حدیث

به غیر از کتابهای فقهی که این متون از آنها انتخاب شده تعدادی کتب فقه و حدیث دیگر نیز وجود دارد که در این متون به آنها اشاره شده است. اجمالاً به معرفی برخی از آنها می پردازیم:

۱. الکافی. تألیف محمد بن یعقوب گلینی (متوفای ۳۲۹) از بزرگان شیعه است که زمان ثواب امام زمان (عج) را درک کرده است. گفته شده است که کلینی کافی را که در واقع نخستین کتاب جامع احادیث شیعه در اصول و فروع است طی بیست سال نگاشته است.
۲. من لایحضره الفقیه. تألیف محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق.
۳. تهذیب الاحکام. تألیف شیخ الطائفه، محمد بن الحسن الطوسی (ره). این کتاب در واقع شرح مقننه شیخ مفید و بیان روایات مستند احکام مندرج در کتاب مزبور و أحياناً شرح آن روایات و بیان رفع تعارض اخبار وارده در آن باب است؛ عنوان کامل کتاب تهذیب الاحکام فی شرح المقننه للشیخ المفید است.
۴. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. تألیف شیخ طوسی است.

- چهار کتاب کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار به عنوان «کتب اربعه» یعنی چهار کتاب حدیث معتبر در نزد شیعه معروف است.
۵. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. تألیف محمد بن الحسن الحرّ العاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه. ق.). روایات نقل شده در این کتاب از کتب اربعه و تعدادی کتب دیگر گرفته شده و بر مبنای ابواب فقهی آورده شده است. این کتاب بهترین مرجع روایی فقهیست و با تصحیح مرحوم ربّانی شیرازی در بیست جلد به چاپ رسیده است.
 ۶. کتابهای المبسوط فی فقه الامامیه، النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی و الخلاف از کتب معتبر مورد استناد فقهی و نوشته مرحوم شیخ طوسی است.
 ۷. السرائر. تألیف ابن ادریس حلّی.
 ۸. جامع المقاصد فی شرح القواعد. تألیف شیخ علی کرکی معروف به محقق ثانی.
 ۹. ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. تألیف فخرالمحققین پسر علامه حلّی.
 ۱۰. کتابهای تذکرة الفقهاء، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة و تبصرة المتعلمین فی احکام الدین از تألیفات علامه حلّی.
 ۱۱. مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام. تألیف شهید ثانی.
 ۱۲. الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه. (معروف به کتاب دروس). تألیف شهید اول.
 ۱۳. القواعد و الفوائد. تألیف شهید اول.
 ۱۴. دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام. تألیف قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی (متوفای ۳۶۳ ه. ق.).
 ۱۵. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة. تألیف سید محمد جواد عاملی (متوفای ۱۳۲۶ ه. ق.).
 ۱۶. کنز العرفان فی فقه القرآن. تألیف فاضل مقداد.
 ۱۷. الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. تألیف شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۸۶ ه. ق.).
 ۱۸. مستند الشیعة فی احکام الشریعة. تألیف احمد بن محمد مهدی نراقی معروف به ملا احمد نراقی (متوفای ۱۲۴۵ ه. ق.).

د) توضیح برخی اصطلاحات

در این قسمت برخی اصطلاحات رایج در استدلالات فقهی و بخصوص عناوین مربوط به روایات به طور خلاصه توضیح داده می شود. طبعاً جای بحث تفصیلی این اصطلاحات در علم اصول و کتابهای اصول فقه است، ولی برای سهولت دستیابی دانشجو به مفهوم مورد نظر، به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. ادله اربعه. ادله جمع دلیل است و منظور از دلیل آن چیزی است که به وسیله آن حکم

شرعی، استنباط و استخراج می‌شود. ادله اربعه عبارتند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل. الف) کتاب، منظور از کتاب قرآن کریم است. در قرآن حدود پانصد آیه مربوط به احکام است که به آنها آیات الاحکام گفته می‌شود. قرآنی که در دست مسلمانان است از لحاظ سند و صدور آن از وحی الهی قطعی است، ولی در مورد دلالت آن بر احکام می‌تواند مورد استنباط و اظهارنظرهای مختلف قرار گیرد و لذا گفته می‌شود: قرآن قطعی الصدور و ظنی الدلاله است. ب) سنت، عبارت است از قول، فعل و تقریر معصوم (ع). منظور از قول معصوم سخنان و بیاناتی است که از معصوم در زمینه بیان احکام صادر شده و منظور از فعل، اقدام عملی معصوم است.

تقریر معصوم عبارت از عملی است که در حضور معصوم (ع) صورت گیرد و وی آن را رد نکند و در واقع بدین وسیله بر آن صحه گذارد و آن را تثبیت کند. سنت به هر یک از این طرق مذکور وجود داشته باشد، می‌تواند دلیل حکم باشد.

منظور از معصوم از نظر شیعه، پیامبر اکرم و امامان دوازدهگانه و حضرت فاطمه (س) است که قول و فعل و تقریر آنها حجت است؛ ولی اهل سنت تنها قول و فعل و تقریر پیامبر (ص) را به عنوان سنت به رسمیت می‌شناسند.

ج) اجماع، عبارت است از اتفاق فقها بر امری که کاشف از قول معصوم باشد. از نظر شیعه اجماع فقها و یا جمعی از آنها بر امری حجت نیست مگر از این حیث که کاشف از رأی و نظر معصوم باشد.

اجماع دو قسم است: اجماع محصل و اجماع منقول. اجماع محصل، اجماعی است که فقیه با تتبع آراء فقها بدان دست می‌یابد. اجماع منقول، اجماعی است که از دیگران نقل شده است.

د) عقل، دلیل عقل عبارت است از هر حکم عقلی که انسان را قطعاً به حکم شرعی برساند.

دو نوع حکم عقلی وجود دارد:

اول) مستقلات عقلیه. احکامی است که صغری و کبری و همه مقدمات آنها، عقلی است. دوم) غیرمستقلات عقلیه. وقتی یکی از مقدمات حکم شرعی و مقدمه دیگر آن عقلی و به حکم ملازمه باشد که بارزترین مثال آن وجوب مقدمه واجب است؛ مثل اینکه به حکم شرع، حج واجب است و چون سفر به مکه مقدمه انجام عمل حج است و بدون آن عمل حج انجام‌پذیر نیست پس به حکم ملازمه عقلیه رفتن به مکه واجب است.^۱

در واقع برای استنباط احکام، مهمترین دلیل همانا کتاب و سنت است. در مورد کتاب از نظر صحت صدور و مستند بودن آن تردید و مشکلی وجود ندارد بحثی که وجود دارد در مورد نحوه فهم و استخراج حکم از بیان قرآن است؛ ولی در مورد سنت هم نحوه فهم حدیث مهم است

۱. رجوع کنید به: فضلی، عبدالهادی؛ مبادی اصول الفقه؛ چاپ دوم، قم: ۱۳۵۲.

و هم بخصوص صحّت صدور حدیث از معصوم (ع) مسأله مهمّی است، لذا از این حیث، روایات و احادیث منقولہ، دستہ‌بندی شدہ و ہر یک از آنها عنوان خاصّی بہ خود گرفتہ‌اند کہ اجمالاً اشارہ‌ای بہ آنها می‌شود:

خبر از یک جہت تقسیم می‌شود بہ خبر متواتر و خبر واحد.
خبر متواتر، خبری است کہ راویان آن در ہر طبقہ بہ حدی باشند کہ توافق آنها بر دروغ عادتاً محال است. خبر متواتر مخصوصاً در احکام شرعی، بسیار کم است.
خبر واحد، خبری است کہ بہ حدّ تواتر نرسیدہ و تعریف خبر متواتر بر آن صادق نیست، خواه روایت آن زیاد باشند یا کم.

خبر مستفیض، خبری است کہ بہ حدّ تواتر نمی‌رسد و از مصادیق خبر واحد است ولی روایت آن در ہر طبقہ از سہ نفر (یا بہ قولی از دو نفر) بیشتر باشند.^۱
خبر واحد از نظر وضعیّت راویان آن و میزان اعتماد و اعتبار آنها و نیز از نظر اتّصال سند بہ معصوم دو نوع تقسیم‌بندی دارد. در تقسیم‌بندی اول، خبر واحد بہ چہار قسم تقسیم می‌شود کہ عبارت است از: صحیح، حسن، موثق و ضعیف.

اول) خبر صحیح، خبری است کہ سند آن متصل بہ معصوم باشد و سلسلہ روایت آن ہمگی عادل و شیعہ امامیہ باشند.

دوم) خبر حسن، خبری است کہ سند آن بہ معصوم متصل شود و سلسلہ روایت آن ہمہ شیعہ امامیہ باشند کہ از آنها ستایش شدہ ولی بر عدالت آنها تصریح نشدہ است.

سوم) خبر موثق، خبری است کہ راویان آن مورد وثوق هستند ہرچند ہمہ یا بعضی از آنها غیر امامیہ باشند. البتہ باید روایت مزبور از سوی بزرگان امامیہ توثیق شدہ باشند. بہ این نوع خبر اصطلاحاً خبر قویّ نیز می‌گویند.

چہارم) خبر ضعیف، خبری است کہ هیچیک از شرایط سہ دستہ اخبار فوق در آن جمع نباشد و در سلسلہ روایت افراد فاسق یا مجہول الحال باشند.

اما برای خبر از لحاظ نحوه اتّصال سند روایت بہ معصوم نیز اقسامی ذکر شدہ کہ چند قسم معروف آن را متذکر می‌شویم:

۱. خبر مقطوع، خبری است کہ سند آن بہ معصوم نمی‌رسد بلکہ بر صاحب معصوم یا یکی از تابعین (کسی کہ صحابی معصوم را درک کردہ) متوقف می‌شود، یعنی در واقع آنچه نقل می‌شود کلام آن صحابی یا تابعی است کہ بہ عنوان روایت بیان می‌شود.

۲. خبر مرسل، خبری است کہ راوی از معصوم نقل می‌کند بدون اینکہ خود معصوم را درک کردہ باشد، در واقع او خبری را بہ واسطہ نقل کردہ، ولی واسطہ را ذکر نکرده است.

۳. خبر مقبول، خبر مقبول یا روایت مقبولہ، روایتی است کہ اصحاب بدون توجہ بہ صحت سند، آن را پذیرفتہ و بہ مضمون آن عمل کردہ‌اند، شاید بہ لحاظ ہمراہ بودن آن با قراین

۱. جبعی عاملی، زین‌الدین (شہید ثانی)؛ الدرایة فی علم مصطلح الحدیث؛ چاپ نجف، ص ۱۶.

و امارات آن را صحیح و قابل عمل تلقی کرده‌اند؛^۱ مانند مقبوله عمر بن حنظله در مورد ارجاع دعوا به کسی که حدیث و فقه اهل بیت را می‌داند.^۲

برای مطالعه بیشتر و ملاحظه تفصیلی اصطلاحات و عناوین ادله احکام و اصول فقه رجوع شود به کتابهایی نظیر معالم الاصول از جمال‌الدین حسن بن زین‌الدین شهید ثانی معروف به صاحب معالم، تحریر المعالم از آیه‌الله حاج میرزا علی مشکینی، مبادی اصول الفقه از عبدالهادی فضلی، الدرایة فی علم مصطلح الحدیث از شهید ثانی، مبانی استنباط حقوق اسلامی از دکتر ابوالحسن محمدی و سایر کتب اصول و حدیث و رجال.

امید است این مختصر بتواند مفید واقع شود.

اللهم اهدنا الى سواء الصراط و هبنا لنا

من امرنا رشداً

حسین مهرپور

۱. رجوع کنید به: الدرایة فی علم مصطلح الحدیث؛ قم: مکتبة المفید و نجف: مطبعة النعمان.

۲. قسمتی از مقبوله عمر بن حنظله از امام صادق علیه‌السلام چنین است: «... انظروا الی من کان منکم قدروی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فارضوا به حکما فانی قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فأنما بحکم الله قد استخف و علینا ردّ والراءد علینا الرّاد علی الله و هو علی حدّ الشّرع باللّه.» (کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی؛ ج ۷، ص ۴۱۲ و طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۶، ص ۳۱۸).

